

## THE NATURE OF SAMHAQ IN JURISPRUDENCE AND ISLAMIC PENAL CODE BASED ON MEDICAL KNOWLEDGE

Mohammad Jafar Sadeghpour <sup>1</sup>

**(Received on: 07- 05 - 2022 Accepted on: 26 - 11- 2022)**

### **Abstract**

Samhaq is the fourth type of head and face injuries (Shajaj) whose blood money is equal to four camels equal to four hundredths of the full payment. In clause (t) of article (709) of the Islamic Law, the legislators defined Samhaq as an injury that reaches the thin skin on the bone. This short definition is not up-to-date, nor is it accurate or stable enough. This is despite the fact that in many accidents and disputes, the forensic organization is faced with the commission of such a crime and should report its commission to the judicial authorities. Considering the frequent occurrence of this injury in society and its considerable cost, it seems necessary to explain its nature in an up-to-date and accurate manner. For this purpose, in addition to referring to jurisprudential and narrative sources, the basis of the realization of this injury in medical science should also be studied. Based on this, it is necessary to examine and carefully consider several points to understand the nature of Samhaq. First: Does used weapon have a special character and subjectivity in the realization of Samhaq? Secondly: What is meant by the membrane on the bone and under what name is it called in medical knowledge today? Thirdly: In order to get a comprehensive idea of this injury, it is necessary to carefully examine the elements that make up the nature of Samhaq from the point of view of jurists. This article explains the library data by using the descriptive-analytical method, and the result is that Samhaq is an injury that cuts the thin membrane on the bone (periosteum). However, it doesn't tear it up, and no special invasive device is involved in its realization.

**Key words:** periosteum, bony membrane, injury, muscle, Shajaj.

---

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.  
mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir

## ماهیت سمحاق در فقه و قانون مجازات اسلامی با تکیه بر دانش پزشکی

محمد جعفر صادق پور<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۹/۰۵)

### چکیده

سمحاق، چهارمین گونه از جراحات سر و صورت (شجاج) به شمار می آید که دیه آن برابر چهار شتر معادل چهار صدم دیه کامل تعیین شده است. مقنن در بند (ت) ماده (۷۰۹) ق.م.ا. سمحاق را جراحاتی تعریف کرده که به پوست نازک روی استخوان برسد. این تعریف کوتاه نه دارای روزآمدی لازم است و نه از دقت و استواری کافی برخوردار است. این در حالی است که سازمان پزشکی قانونی در بسیاری از سوانح و نزاع‌ها با ارتکاب چنین جنایتی روبرو است و می بایست ارتکاب آن را به مقام قضایی گزارش نماید. با توجه به رخداد فراوان این جراحات در بستر جامعه و میزان دیه قابل توجه آن، تبیین ماهیت آن به گونه ای روزآمد و دقیق ضروری به نظر می آید. برای این منظور علاوه بر رجوع به منابع فقهی و روایی، می بایست بستر تحقق این جراحات در علم پزشکی نیز مورد مذاقه قرار گیرد. بر این اساس بررسی و دقت نظر در چند نکته برای درک ماهیت سمحاق لازم است. اولاً: آیا آلت جارحه خاصی در تحقق سمحاق خصوصیت و موضوعیت دارد؟ ثانیاً: مراد از پرده روی استخوان چیست و امروزه در دانش پزشکی تحت چه عنوانی خوانده می شود. ثالثاً: برای این که بتوان به تصویری جامع از این جراحات دست یافت، بررسی دقیق عناصر قوام بخش ماهیت سمحاق از نگاه فقیهان ضروری می نماید. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین داده های کتابخانه ای پرداخته است و حاصل سخن این که سمحاق جراحاتی است که تا پرده نازک روی استخوان (پریوست) می رسد ولی آن را پاره نمی کند، ضمن این که آلت جارحه خاصی در تحقق آن دخالت ندارد.

واژگان کلیدی: سمحاق، پرده ی استخوانی، جراحات، عضله، شجاج.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

شِجَاج یا جراحات سر و صورت، از پرشمارترین موارد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی محسوب می‌شوند که پرونده‌های بسیاری را در محاکم قضایی به خود اختصاص داده‌اند. احتساب این جراحات، با مبنا قرار گرفتن دیه کامل و نسبت‌سنجی جراحات با دیه کامل، موجب شده است میزان دیه گونه‌های شِجَاج از یک صدم تا مبلغی بیش از ثلث دیه کامل متغیر باشد (ماده ۷۰۹ ق.م.ا). با توجه به افزایش سالیانه دیه و فراوانی حوادث مربوط به شِجَاج، ضرورت بررسی این گونه جراحات امری ضروری می‌نماید. بر این مطالب بایستی از سویی اجمال و ابهام معنایی برخی از گونه‌های شِجَاج و از دیگر سو عدم تعیین حد و مرز چپستی یک یک آن‌ها را افزود. عواملی مانند روزآمد نبودن تعاریفی که از این گونه جراحات توسط قانون‌گذار در متن قانون گنجانده شده، فاصله گرفتن ادبیات مقنن از ادبیات تقنینی و ملحوظ داشتن ادبیات ترجمه‌ای در ارائه مواد قانونی مربوطه، همه و همه موجب گشته بررسی موارد، مصادیق و گونه‌های جراحات سر و صورت اهمیتی دوچندان یابد. این بررسی‌ها در صورت اتکا بر داده‌های علوم تجربی، مفاهیم دانش پزشکی و نیز گزاره‌های به دست آمده از علم بافت‌شناسی و آناتومی بی‌تردید موجب خواهد شد، مفاهیمی که در طول قرن‌ها و اعصار متمادی، کارایی بسیار داشته‌اند و با توجه به اندوخته‌های آن روزگاران، موجبات رفع خصومت و احقاق حق را فراهم می‌آورده‌اند، امروزه نیز با ردایی تازه و در لباس عباراتی همسو با پیشرفت علوم تجربی، نونوا شده و در این عصر پر از تحول و تبدل، به حیات پرج خویش با قوتی افزون‌تر ادامه دهند. بدیهی است چنین پویایی و نوگرایی، به معنای دست کشیدن از زحمات پیشینیان یا چشم‌پوشی از مبانی و تعالیم گران سنگ فقهی و روایی نیست؛ بلکه این مهم دقیقاً در تقابل با این پندار، تنها با تکیه بر آن متون فاخر امکان‌پذیر و شدنی است. در مقابل، تعصب و تصلب بر آنچه گذشتگان با اندیشه ورزی و تأمل، فراچنگ آورده‌اند و به نسل‌های پس از خود رسانیده‌اند، بی‌آنکه اجتهاد و ابتکاری در آن‌ها صورت گیرد، نه تنها موجب ماندگاری آن‌ها نخواهد بود، بلکه اندک اندک از همراهی با قطار تحول اندیشه‌ها بازشان خواهد داشت و در گوشه‌ای، محجور و منزوی، رهایشان خواهد ساخت. با نظر داشت این مطالب است که نوشتار حاضر، با مبنا قرار دادن متون معتبر فقهی و روایی و نیز استمداد از داده‌های علوم تجربی، قصد دارد تا از میان گونه‌های مختلف شِجَاج، «سمحاق» را مورد

کاوش و بررسی قرار دهد و ماهیت این جراحی را مستدل و استوار، پی جوید. ضرورت بررسی ماهوی این جراحی از آن رو احساس شد که مقنن در تعریف سمحاق به این جمله بسنده کرده که سمحاق عبارت است از «جراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد». با مراجعه به این تعریف سه پرسش اساسی جلوه‌گر می‌شود: نخست این که، آیا نوع آلت ایجاد جرح در قوام معنای سمحاق و صدق عنوان آن دخیل است یا خیر؟ دوم این که مراد از پوست روی استخوان چیست و امروزه در ادبیات پزشکی چه معادلی دارد؟ و سوم به جهت مبنایی، آیا این تعریف منطبق بر متون و مبانی فقهی است یا این که چنین نیست و نیازمند اصلاح است؟ بر همین اساس، در ادامه پس از تبیین معنای شجاج و نیز تشریح واژه سمحاق و بستر تحقق آن، به ارزیابی تعاریف فقهی و آن‌گاه بررسی موضع مقنن در این رابطه پرداخته می‌شود.

### ۱. شجاج و گونه‌های آن

دو حرف شین و جیم بر یک اصل معنایی واحد که عبارت است از «شکافتن و شقه کردن» دلالت دارند (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳: ص ۱۷۸) علی‌رغم گستره وسیع معنای لغوی شَجَّ که شامل شکافتن هر چیزی می‌شود، مراد از «شجاج» که جمع «شَجَّة» از ماده «شَجَّ» است، خصوص جراحات و زخم‌های سر و صورت می‌باشد (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲: ۳۰۴؛ فراهیدی، کتاب العین، ج ۶: ۴). در فقه امامیه، بر هر یک از زخم‌هایی که بر سر و صورت وارد می‌آید، به تناسب عمق آن‌ها، نامی خاص اطلاق می‌شود و بر همین مبنا، دیه‌ای متفاوت به هر یک تعلق می‌گیرد. از این رهگذر، فقها عموماً شجاج را بر نه گونه حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق، موضحه، هاشمه، منقله، مأمومه و دامغه دانسته‌اند (محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴: ص ۲۵۹-۲۵۸؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ۲۸۴؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۵: ص ۴۵۷-۴۵۲). قانونگذار نیز در ماده (۷۰۹) ق.م.ا مصوب (۱۳۹۲) به تبعیت از فقه، این نه مورد را در قالب عبارات مختلف همراه با میزان دیه و نیز ارائه تعاریفی کوتاه از آنان، منعکس ساخته است. از مجموع نه گانه فوق، پنج فقره اول ممکن است در غیر سر و صورت نیز واقع شود که بر اساس ماده (۷۱۰) در صورتی که آن عضو، دیه معین داشته باشد، دیه به حساب نسبت‌های مذکور در ماده (۷۰۹) از دیه آن عضو تعیین می‌شود و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد، ارزش ثابت است. «بدین ترتیب هرگاه مثلاً جراحی دامیه بر یک دست سالم واقع شود، چون دیه دست پنجاه صدم دیه کامل (ماده ۶۳۵) و دیه دامیه سر و صورت، دو صدم دیه کامل

است (بند ب ۲۰۹)؛ لذا دیه دامیه دست سالم، دو صدم از پنجاه صدم، یعنی یک صدم دیه کامله می باشد. ولی هرگاه دامیه بر کف دست کسی که یا به طور مادرزاد یا بر اثر وقوع سانحه ای انگشت ندارد، وارد شود، چون بریدن چنین دستی طبق ماده (۶۳۷ ق.ا.م.ا)، خود دیه معین ندارد، بلکه ارش آن با نظر حاکم تعیین می شود، در مورد جراحت دامیه وارده بر آن نیز، دادن ارش ضروری خواهد بود» (میرمحمد صادقی، جرایم علیه اشخاص: ۲۲۸).

با وجود وضوح مفهومی تعاریف ارائه شده برای اقسام شجاج، گاه در موارد کاربری و در ارتباط با مصادیق خارجی که اقتضای حرفه پزشکان قانونی است، به علت روزآمد نبودن زمینه ساز ابهام، اجمال و نارسایی می شود. «سمحاق» از جمله این اصطلاحات به شمار می روند که به نظر می رسد نیازمند ترسیم خط و مرز مفهومی جدی می باشد.

## ۲. سمحاق و بستر تحقق آن با تکیه بر دانش پزشکی

برای آشنایی با چیستی سمحاق، شایسته است ابتدا معنای لغوی آن و سپس بستر تحقق آن مورد توجه و مذاقه قرار گیرد.

### ۲-۱- تأملی در واژه سمحاق

سمحاق مشتق از واژه سحق است. سه حرف «سین»، «حاء» و «قاف» بر دو معنی مختلف دلالت دارند: نخست دوری و بُعد؛ و مورد دیگر انهدام شیء به حدی که به نابودی برسد (احمد بن فارس، ج ۳: ۱۳۹). سمحق برگرفته از همین واژه است که با افزوده شدن حرف «میم» به آن بدین شکل درآمده است (واسطی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳: ۲۲۳). اغلب لغویون سمحاق را به معنای پوست نازک روی استخوان جمعده دانسته اند (فراهیدی، کتاب العین، ج ۳: ۳۲۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰: ۱۶۴؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵: ۱۸۴) اما ظاهراً سمحاق عنوان عامی است که شامل هر نوع پوست رقیقی می شود<sup>۱</sup> که چنین پوسته ای بر روی تمامی استخوان ها وجود دارد. این واژه در واقع بیانگر بستر تحقق سمحاق در فقه جزایی است؛ زیرا سمحاق چنانکه در ادامه به طور مفصل و دقیق بیان خواهد شد به جراحی گفته می شود که تا پوسته روی استخوان عمق می یابد. در همین راستا، قبل از ورود به تعاریف تخصصی سمحاق در فقه اسلامی، شایسته است در خصوص بستر تحقق این جراحت و پوسته استخوانی اندکی تأمل شود و بعد به بیان

۱. «كل قشرة رقيقة فهي سمحاق» ر.ک: ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۴۰۷.

تعاریف فقهی آن و نیز موضع مقنن در این باره پرداخته شود.

## ۲-۲- بستر تحقق جراحات سمحاق با تکیه بر دانش پزشکی

استخوان یک بافت زنده است که مانند سایر ارگان‌ها دارای رگ‌های خونی، اعصاب و مجاری لیمفیک است. این سخت‌ترین بافت بدن، همانند سایر بافت‌های هم‌بندی شامل سلول‌ها، رشته‌ها و ماده زمینه‌ای است (الهی، استخوان‌شناسی: ۱۳). سطح خارجی همه استخوان‌ها توسط بافت همبندی به نام «پریوست» یا «پریوستئوم»<sup>۱</sup> پوشیده شده است. پریوستئوم بافت همبند متراکمی است که دارای دستجات کلاژن، عروق خونی و فیبروبلاست‌ها است. عروق خونی پریوستئومی که منشعب شده و استخوان را سوراخ می‌کنند، متابولیت‌ها را به سلول‌های استخوان حمل کرده و آن‌ها را دور می‌کنند (مسجر، بافت‌شناسی پایه، ترجمه: شیرازی و همکاران: ص ۱۹۹). پریوستئوم که تمام سطوح استخوانی را به استثنای سطوح مفصلی می‌پوشاند، دارای دو لایه بسیار حساس خارجی و داخلی است (الهی، استخوان‌شناسی: ۱۶). لایه خارجی از بافت هم‌بند سخت که محتوی رشته‌های هم‌بندی فراوان و رگ‌های خونی بزرگ‌تر و سلول‌های کم‌تری می‌باشد، تشکیل یافته است. لایه داخلی پریوستئوم لایه‌ای با سلول‌های بیشتر بوده و شامل سلول‌های پوشاننده استخوان، استئوبلاست‌ها و سلول‌های بنیادی مزانشیمی به نام سلول‌های پیش‌ساز استخوان<sup>۲</sup> هستند. سلول‌های پیش‌ساز استخوان پتانسیل تکثیر گسترده و تمایز به استئوبلاست‌های جدید بسیاری را داشته و نقش عمده‌ای در رشد و ترمیم استخوان ایفا می‌کنند (مسجر، بافت‌شناسی پایه، ترجمه: شیرازی و همکاران: ۱۹۹). در بسیاری از اوقات که استخوان دچار شکستگی می‌شود پریوست پاره نشده و می‌تواند مانع از جابجا شدن زیاد قطعات شکسته شده شود. پریوست حاوی سلول‌های استئوبلاست است و بعد از شکستگی به جوش خوردن استخوان کمک می‌کند.

جهت تکمیل مباحث پیش‌گفته لازم است تصویری از پریوستئوم منعکس شود. در تصاویر زیر این پوشش بسیار حیاتی در کنار دیگر اجزا و بخش‌های استخوان نمایش داده شده است: بر اساس آن چه بیان شد، مراد از پوسته استخوانی که سمحاق تا عمق آن پیش می‌رود، همان است که امروزه در علم پزشکی پریوست (Periosteum) یا ضریع استخوانی خوانده می‌شود. در همین راستا، جراحات سمحاق برآیند تمرکز بر همین ضریع استخوانی است. لازم

1. Periosteum  
2. Osteoprogenitor cells.

به ذکر است در زبان عربی چون «الجلد» مفهومی عام دارد و هر پرده و پوسته‌ای را شامل می‌شود لذا این تعبیر برای پیوست هم به کار می‌رود؛ لکن در زبان فارسی واژه پوست همواره در خصوص لایه بیرونی بدن به کار می‌رود و جهت ترجمان پیوست، عموماً از اصطلاح «پرده‌ی استخوانی» یا «ضریع استخوانی» استفاده می‌شود.

### ۳. ماهیت سمحاق در فقه اسلامی

در فقه اسلامی تعاریف مختلفی از سمحاق ارائه شده است. با عنایت به وجوه مشترک این تعاریف می‌توان آن‌ها را در سه قالب کلی بررسی نمود. اما پیش از طرح تعاریف مذکور، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در نگاشته‌های فقهی گاه بر جراحت سمحاق عناوین دیگری نیز اطلاق شده است؛ به مثلاً، برخی فقیهان امامیه به جای این تعبیر از اصطلاح «البالغة» بهره برده‌اند (جزایری، التحفة السنية فی شرح النخبة المحسنية: ۱۰۵) و نیز در فقه عامه، این جراحت را «الملطاة» خوانده‌اند (ابن رشد الجدل، المقدمات الممهدة، ج ۳: ۳۲۳؛ ابن رشد الحفید، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ج ۴: ۲۰۲؛ الرجرجی، مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح المدونة وحل مشکلاتها، ج ۱۰: ۱۳۰؛ الانصاری، أسنى المطالب فی شرح روض الطالب، ج ۴: ۲۳). لکن در این نوشتار با مبنا قرار دادن زبان علمی غالب فقیهان اسلامی، جراحت سمحاق با همان عنوان معروف و مألوف خود بازشناخته می‌شود.

#### ۳-۱- تعریف سمحاق در نگاه فقیهان اسلامی

فقیهان اسلامی سه تعریف زیر را از سمحاق ارائه نموده‌اند:

#### ۳-۱-۱- تعریف با محوریت رسیدن جرح به پرده استخوانی

نخستین تعریفی که توسط فقها از سمحاق ارائه شده برآیند وجود یک عنصر اساسی در شاکله ماهوی آن می‌باشد که عبارت است از «رسیدن جراحت به پرده روی استخوان». در این رویکرد، تنها قید اساسی در قوام بخشیدن به ماهیت سمحاق همین عنصر واحد دانسته شده است. البته فقیهان معتقد به این تعریف، در عبارات خود گاه بر «عدم پارگی پرده روی استخوان» نیز تأکید کرده‌اند که به نوعی از عبارات دیگر فقها نیز استنباط می‌شود:

یک:

«السمحاق و هی التي بینها و بین العظم قشيرة رقيقة: سمحاق جراحتی است که بین آن و استخوان

پرده نازکی باقی می‌ماند» (صدوق، معانی الأخبار: ۳۲۹؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰: ۲۸۹؛ ابن‌دریس، السرائر الحاوی



لتحرير الفتاوى، ج ۳: ۴۰۶؛ فاضل آبي، كشف الرموز في شرح مختصر النافع، ج ۲: ص ۶۶۹؛ الحجاوي، الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴: ۲۲۹؛ همو، زاد المستقنع في اختصار المقنع، ج ۱: ۲۱۵؛ عبدالرحمن المقدسي، الشرح الكبير على متن المقنع، ج ۹: ۶۱۹؛ ابن مفلح، كتاب الفروع ومعه صحيح الفروع لعلاء الدين علي بن سليمان المرداوي، ج ۹: ۴۶۴؛ موفق الدين مقدسي، عمدة الفقه، ج ۱: ۱۳۳؛ احمد بن حنبل، مسائل الإمام أحمد رواية ابنه عبد الله، ج ۱: ۴۱۸؛ ابن ضويان، منار السبيل في شرح الدليل، ج ۲: ۳۴۹؛ الموصلي، الاختيار لتعليل المختار، ج ۵: ۴۱؛ قاضي عبد الوهاب، التلقين في الفقه المالكي، ج ۲: ۱۸۵؛ الجندی، التوضيح في شرح المختصر الفرعي لابن الحاجب، ج ۸: ۸۳؛ ابن رشد الجد، المقدمات الممهدات، ج ۳: ۲۲۳).

### «السمحاق وهى التى تبلغ القشرة التى بين اللحم والعظم: سمحاق جراحتى است كه به پوست

نازك بين گوشت و استخوان مى رسد» (كيدري، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة: ۵۰۹ و با عباراتى همسان يا همانند: طوسى، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى: ۷۷۵؛ مقداد سيورى، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۴: ۵۱۴؛ حلبى، الكافى في الفقه: ۴۰۰؛ ابن حمزه طوسى، الوسيلىه إلى نيل الفضيله: ۴۴۴؛ ابن زهره، غنيه النزوع إلى علمى الأصول و الفروع: ۴۱۹؛ ابن شجاع حلى، معالم الدين في فقه آل ياسين، ج ۲: ۵۹۶؛ علامه حلى، تبصرة المتعلمين فى أحكام الدين: ۲۰۴؛ همو، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، ج ۹: ۴۰۹؛ ابن سعيد حلى، الجامع للشرائع: ۶۰۰؛ حلبى، الكافى في الفقه: ۴۰۰؛ محقق حلى، المختصر النافع فى فقه الإماميه، ج ۲: ۳۱۱؛ همو، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، ج ۴: ۲۵۸؛ شهيد اول، اللمعة الدمشقيه فى فقه الإماميه: ۲۸۴؛ شهيد ثانى، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۱۵: ۴۵۵؛ جزايرى، التحفة السنية فى شرح النخبة المحسنية: ۱۰؛ فقعاى، الدر المنضود فى معرفة صيغ النيات والإيقاعات والعقود: ۳۲۹؛ روحانى، فقه الصادق (ع): ج ۲۶: ص ۳۳۱؛ وحيد خراسانى، منهاج الصالحين، ج ۳: ۵۸۳).

### «السِّمْحَاقُ وَهِيَ الَّتِي تَصِلُ إِلَى السِّمْحَاقِ وَهِيَ الْجِلْدَةُ الرَّقِيقَةُ الَّتِي بَيْنَ اللَّحْمِ وَعَظْمِ الرَّأْسِ: سمحاق

جراحتى است كه به پوست نازك ما بين گوشت و استخوان سر مى رسد» (ابن نجيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطورى، ج ۸: ۳۸۰؛ البابرى، العناية شرح الهداية، ج ۱۰: ۲۸۵؛ المرغينانى، الهداية فى شرح بداية المبتدى، ج ۴: ۴۶۵؛ الانصارى، أسنى المطالب فى شرح روض الطالب، ج ۴: ۲۳؛ العمرانى، البيان فى مذهب الإمام الشافعى، ج ۱۱: ۳۶۱؛ النووى، روضة الطالبين وعمدة المفتين، ج ۹: ۱۸۰؛ الشربىنى، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، ج ۵: ۲۵۵؛ ابن رشد الحفيد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ج ۴: ۲۰۲).

دو:

### «السمحاق وهى التى تبلغ السمحاق وهى الجلدَةُ الرقيقة المغشية للعظم ولا تقشرها: سمحاق

جراحتى است كه به پرده محيط بر استخوان مى رسد ولى آن را پاره نمى كند» (شهيد ثانى، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، ج ۱۰: ۲۶۹؛ اسدى حلى، المذهب البارع فى شرح المختصر النافع، ج ۵: ۳۶۱؛ مجلسى، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴: ۱۱۶؛ مشكىنى، الفقه المأثور: ص ۵۳۹؛ تبريزى، تنقيح مباني الأحكام - كتاب الديات: ۲۷۲؛ كاشف الغطاء، سفينة النجاة و مشكاة الهدى و مصباح السعادات، ج ۳: ۹۴).



## ۲-۱-۳- تعریف با محوریت پارگی گوشت و رسیدن جرح به پرده استخوانی

در تعریف دومی که از سمحاق ارائه شده علاوه بر عنصر موجود در تعریف نخست، «پارگی گوشت» نیز به مثابه عنصر اساسی این جراحات محسوب شده است. بر این پایه، وفق چنین رویکردی ماهیت سمحاق متشکل از دو عنصر مختلف است که عبارتند از: نخست «پارگی گوشت» یا بافت عضلانی و مورد دوم، «رسیدن جراحات به پرده روی استخوان». این نگرش به سه صورت کلی در کتب فقهی منعکس شده است:

یک:

دسته‌ای از فقها دو عنصر پیش گفته را به صورت مطلق و بدون قید و وصف به کار برده‌اند: «السمحاق وهی التي تقطع اللحم حتى تبلغ إلى الجلدة الرقيقة المتغشية للعظم: سمحاق جراحی است که گوشت را پاره می‌کند تا این‌که به پرده نازک محیط بر استخوان می‌رسد» (مفید، المقنعة: ۷۶۶؛ سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الإمامية: ۵۴۸؛ همو، المسائل الناصریات: ۳۹۱؛ سار دیلمی، المراسم العلویة و الأحکام النبویة: ۲۴۷؛ طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ج ۱۶: ۵۱۴؛ همو، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقة المؤمنین، ج ۳: ۵۰۵؛ موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲: ۵۹۴؛ سرخسی، المبسوط، ج ۲۶: ۷۳؛ الرجرجی، مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح المدونة و حل مشكلاتها، ج ۱۰: ۱۲۰).

دو:

در مقابل گروه پیشین، برخی از فقها با افزودن قیود کیفی خاصی که دال بر عمیق بودن جراحات سمحاق هستند، نحوه پارگی گوشت را در این جراحات توصیف کرده‌اند: «السمحاق وهی التي یقطع جمیع اللحم و تصل إلى جلدة رقيقة بین اللحم و العظم: سمحاق جراحی است که تمامی گوشت را قطع می‌کند و به پوست نازک بین گوشت و استخوان می‌رسد» (علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳: ۶۹۰؛ فاضل هندی، کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام، ج ۱۱: ۴۳۳؛ خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۶: ۲۶۶).

«السِّمْحَاقُ وَ هِيَ الَّتِي تَقْطَعُ الْجِلْدَ وَ اللَّحْمَ كُلَّهُ وَ تَصِلُ إِلَى جِلْدِ الرَّأْسِ الَّذِي عَلَى الْعُظْمِ: سمحاق جراحی است که تمام پوست و گوشت را قطع می‌کند و به پوست سر که بر استخوان است، می‌رسد» (مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲: ۴۳۹).

«السمحاق وهی التي تشق اللحم كله حتى ينتهی إلى قشرة رقيقة بین العظم و اللحم: سمحاق جراحی است که تمام گوشت را می‌شکافد تا به پرده نازک بین استخوان و گوشت می‌رسد» (موفق الدین المقدسی، الکافی فی فقه الإمام أحمد، ج ۴: ۲۱۰).

«السِّمْحَاقُ وَهِيَ الَّتِي تَشْتَوِعُ بِجَمِيعِ اللَّحْمِ حَتَّى تَصِلَ إِلَى سَمْحَاقِ الرَّأْسِ وَهِيَ جِلْدَةٌ رَقِيقَةٌ تَغْشَى عَظْمَ الرَّأْسِ: سمحاق جراحی است که همه گوشت را در برمی گیرد تا این که به پوست نازک محیط بر استخوان سر می رسد» (الموردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی، ج ۱۲: ۱۵۰).  
سه:

علاوه بر دو نگره فوق، در برخی کتب فقهی تعریف سمحاق به قید سلبی «عدم پارگی پرده روی استخوان» نیز مقید شده است:  
«السمحاق هی الضربة التي تخترق اللحم وتصل إلى القشرة الرقيقة التي تغطي العظم ولا تمزقها: سمحاق ضربه‌ای است که گوشت را گسیخته می سازد و به پرده نازک محیط بر استخوان می رسد ولی آن را پاره نمی کند» (مکارم شیرازی، الفتاوی الجديدة، ج ۲: ۴۳۹).

### ۳-۱-۳- تعریف با محوریت رسیدن جرح به استخوان

فقیهان نادری در فقه امامیه علیرغم تک عنصری قلمداد کردن جراحت سمحاق، عنصر واحدی که مقوم ماهیت این جراحت بوده را «رسیدن به استخوان» معرفی کرده اند، نه رسیدن به پرده روی استخوان. ظاهراً چنین دیدگاهی از آن «مرحوم کلینی» در «الکافی» است که برخی فقها بدون دخل و تصرف، آن را گزارش کرده اند (اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۴: ۴۵۸؛ فیض کاشانی، الشافی فی العقائد والأخلاق والأحكام، ج ۲: ۱۲۸۱؛ مدنی کاشانی، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، ۲۰۲). وی در تعریف سمحاق آورده است:

«السمحاق هی الَّتِي تَبْلُغُ الْعُظْمَ: سمحاق جراحی است که به استخوان می رسد» (کلینی، الکافی ط - الإسلامية)، ج ۷: ص ۳۲۹).

### ۳-۲- عناصر مشکله سمحاق بر مبنای نظر فقیهان اسلامی

از نسبت سنجی تعاریفی که فقیهان شیعه و سنی از سمحاق ارائه داده اند به روشنی به دست می آید که اساساً در خصوص ماهیت این جراحت اختلاف چندانی وجود ندارد و آن چه در قالب تعاریف مختلف بیان شد بیش تر ناظر بر تفاوت در تعبیر است تا اختلاف در ماهیت آن. با این وجود، ناگفته پیداست که از میان تعاریف مختلف، برخی به علت جامعیت یا صراحت نسبت به موارد دیگر ارجحیت دارند و حتی چه بسا آن گاه که به مثابه منبع قانون نگاری نگرسته می شوند تنها یک مورد از آن ها اولویت می یابد؛ زیرا بر اساس اصل شفافیت قانون (Transparency of Law Principle) که امروزه یکی از اصول اساسی

قانون‌نگاری است، متن یک قانون تنها زمانی می‌تواند به مثابه یک متن معیار گستره آزادی اشخاص را محدود سازد و یا حق یا تعهدی را تعیین نماید که بدون ابهام و اجمال و در عین حال، واضح و مبرهن باشد (ره‌داریور و مؤذناگان، ۱۳۹۷، ش ۸۱) و این مهم تنها زمانی نسبت به تعریف سمحاق محقق خواهد شد که روشن‌ترین و جامع‌ترین تعریف از آن ارائه گردد؛ تعریفی که بدون نیاز به دیگر بندهای ماده (۷۰۹) ق.م.ا، خود روشن و گویا باشد.<sup>۱</sup> برای دستیابی به چنین تعریفی، شایسته است تمامی عناصر مهمی که در بیانات فقها بدان اشاره شده به صورت جداگانه بررسی شوند و آنگاه مواردی که صلاحیت موضوعیت یافتن در تعریف سمحاق را دارند برگزیده شوند تا مقوم تعریف و ماهیت این جراحت به شمار آیند. این عناصر اساسی به قرار زیر می‌باشند:

#### ۱-۲-۳- عدم خصوصیت آلت جارحه

با بررسی‌هایی که با مراجعه به متون فقهی فریقین انجام شد، روشن می‌شود فقیهان اسلامی برای آلتی که ایجاد جرح کرده هیچ خصوصیتی در راستای پدیدار شدن سمحاق قائل نیستند. این مهم از دوزوایه قابل دریافت است: نخست این‌که هیچ یک از فقها بر آلت جارحه خاصی تمرکز نکرده و بدون اشاره به نوع و نام آلت، به تبیین عمق این جراحت و منتهی‌الیه آن اهتمام ورزیده بودند. دوم این‌که در تعاریف ارائه شده از تعبیر گوناگون برای بیان نوع زخم ایجاد شده استفاده شده که خود گواه بر عدم موضوعیت و خصوصیت آلت جارحه ویژه‌ای است. تعبیر متفاوتی همچون «تقطع»، «تشق» و «تبلغ» و ... نشان می‌دهد هر شیئی می‌تواند آلت جارحه‌ای چنین زخمی باشد و مهم ایجاد زخم با مختصات مذکور است.

#### ۲-۲-۳- رسیدن به پرده روی استخوان

در تمام تعاریفی که فقهای فریقین از سمحاق ارائه داده‌اند، قید رسیدن به پرده روی استخوان که بیان‌گر میزان ژرفای این جراحت است، منعکس شده است. تنها فقیه‌ای که از ظاهر کلامش مخالفت با این توافق برداشت می‌شود «مرحوم کلینی» است. تفاوت بیان وی با دیگر فقها در این است که دیگران جملگی حد نهایت ژرفا یافتن سمحاق را «پرده

۱. اکنون و در تعریف فعلی قانون‌گذار از سمحاق، گرچه تعریف سمحاق از جهاتی ناقص ارزیابی می‌شود اما آن‌گاه که در بافت کلی ماده (۷۰۹) دیده می‌شود و با دیگر گونه‌های جراحات سر و صورت سنجیده می‌شود، نهایتاً آن چه در این نوشتار نتیجه گرفته شده، حاصل خواهد شد. لکن اصل شفافیت قانون و پیچیدگی‌های فراوان مراجعه به متون قانونی اقتضا می‌کند، هر تعریف خود به تنهایی گویا و روشن باشد.

استخوانی» معرفی کرده‌اند اما وی خود «استخوان» را به مثابه این مرز در نظر گرفته است. این در حالی است که اگر سخن او مقبول افتد، بی تردید حد و مرز مفهومی و مصداقی سمحاق و جراحات پس از آن یعنی موضحه در هم خواهد آمیخت. لکن به نظر می‌رسد، همان‌گونه که برخی فقها تصریح کرده‌اند (فاضل هندی، کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام، ج ۱: ۴۳۳) وی در تعریف سمحاق اندکی مسامحه روا داشته و اساساً در صدد مخالفت با نظریه عموم فقیهان نبوده است. مؤید این استظهار تصریح او بر این نکته است که سمحاق نام پرده روی استخوان است: «... هِيَ الَّتِي تَبْلُغُ الْعَظْمَ وَالسَّحَاقُ جِلْدَةٌ رَقِيقَةٌ عَلَى الْعَظْمِ» (کلینی، الکافی، ج ۷: ۳۲۹). با این همه، نظر «کلینی» هر چه بوده و باشد، در این مهم تغییری ایجاد نمی‌کند که ستون شاکله ماهوی سمحاق، «رسیدن جراحات به پرده روی استخوان» است.

### ۳-۲-۳- پارگی گوشت

قید مهم دیگری که در برخی تعاریف فقهی آمده، پارگی گوشت یا به تعبیر علمی آن «گسیختگی بافت عضلانی» است. این عنصر هم از سوی گروهی از فقیهان شیعه در تعریف سمحاق ملحوظ شده و هم از سوی گروهی از فقیهان عامه. با توجه به این که سمحاق از حیث رُتبی پس از متلاحمه قرار دارد، گسیختگی بافت عضلانی در آن عموماً امری قهری است و در ضمن آن اتفاق می‌افتد. با این وجود در مواردی همچون برخی نواحی پیشانی، اساساً بافت عضلانی بر روی استخوان وجود ندارد و این موجب می‌شود ایجاد جرح بدین ترتیب صورت پذیرد که پس از شکافتن لایه‌های سه‌گانه پوست مستقیماً به پرده استخوانی برسد. در چنین موردی اگر گسیختگی بافت عضلانی یکی از عناصر ماهوی سمحاق قلمداد شود، لازمه چنین امری عدم تحقق این جراحات در مواردی هم چون مصداق فوق است. این در حالی است که به نظر می‌رسد آن چه لازمه معنای لغوی سمحاق است، صرفاً رسیدن به پرده روی استخوان می‌باشد و هیچ دلیلی بر عدم تحقق آن در فرض عدم وجود عضله نباشد، زیرا مسمای آن به صرف رسیدن جراحات به پرده‌ی استخوانی تحقق می‌یابد. در نتیجه با توجه به این که گنجانیدن عنصر «پارگی گوشت» می‌تواند مانع شمول تعریف سمحاق نسبت به برخی از موارد و مصداق آن شود، شایسته است در تعریف برگزیده مورد تصریح قرار نگیرد و در زمره عناصر اساسی قوام بخش سمحاق قلمداد نشود.

شایان ذکر است حتی اگر «پارگی بافت عضلانی» از عناصر جراحات سمحاق قلمداد شود

نیز هیچ ضرورتی وجود ندارد برای عمیق تر جلوه دادن این پارگی نسبت به آن چه در متلاحمه رخ می دهد قیودی هم چون «جميع اللحم» یا «اللحم كله» به تعریف سمحاق افزوده شود. زیرا همین که در تعریف سمحاق آورده می شود «به پرده روی استخوان میرسد» خود فصل ممیز میان این جراحات و متلاحمه قلمداد می شود و نشان گر عمق بیش تر آن می باشد. مضافاً این که افزودن چنین قیودی موجب راهیابی ابهام و اجمال در تعریف سمحاق می شود و آن را از شفافیت خارج می سازد.

#### ۴-۲-۳- عدم پارگی پرده روی استخوان

سومین و آخرین عنصری که بیشتر در نگاشته های فقیهان امامیه بازتاب یافته «عدم پارگی پرده روی استخوان» است. این قید در حقیقت جهت ایجاد مایز میان سمحاق و جراحات پس از آن یعنی موضحه آورده می شود. هیچ تردیدی در صحت ذکر چنین قیدی در تعریف سمحاق وجود ندارد، لکن چه بسا در ضرورت آن تشکیک شود؛ زیرا وقتی جراحات سر و صورت به شکل رتبی و در کنار یکدیگر دیده می شوند، صرفاً از تأکید بر پارگی پرده استخوانی در تعریف موضحه و عدم تصریح به آن در تعریف سمحاق می توان به نتیجه مطلوب نائل آمد. با عنایت به موضوعیت داشتن قید «رسیدن جراحات به پرده استخوانی» در تعریف سمحاق، عدم پارگی این پرده در تعریف آن را می توان نتیجه گرفت. لکن تمام این مرارت ها زمانی ممکن خواهد بود که تعریف جراحات در کنار یکدیگر و به صورت مجموعی دیده شوند، اما شایسته تر این است که تعریفی از سمحاق ارائه شود که در حالت غیر مقارنه ای و به شکل انفرادی نیز بیان گر حدود و ثغور دقیق ماهیت آن باشد. از این رو، بایسته است در تعریف برگزیده سمحاق قید سلبی «عدم پارگی پرده استخوانی» نیز مورد تصریح قرار گیرد تا به روشنی و با تأکید بیشتری میان سمحاق و جراحات پس از آن یعنی موضحه تفاوت قائل شد.

#### ۴. ماهیت سمحاق در قانون مجازات اسلامی

در بند چهارم ماده (۴۸۰) قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) ضمن تعیین «چهار شتر» دیه برای سمحاق، این جراحات به قرار زیر تعریف شده بود:

«سمحاق: جراحاتی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد».

چنان که روشن است تعریف فوق از دو عنصر «پارگی بافت عضلانی» یا همان گوشت و

«رسیدن جراحات به پوست نازک روی استخوان» تشکیل شده است. تعریف دو عنصری فوق در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اندکی خلاصه تر شد و قانون‌گذار اخیر تصریح بر عنصر دوم را برای بیان ماهیت سمحاق کافی انگاشت. مضافاً این‌که به جای تعبیر نامناسب «چهار شتر» که دیه را در یکی از اصناف شش‌گانه منحصر می‌ساخت، دیه آن «چهار صدم دیه کامل» تعیین گشت. بند (ت) ماده (۷۰۹) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در این راستا مقرر می‌دارد: «سمحاق: جراحاتی که به پوست نازک روی استخوان برسد».

تأمل در تعاریفی که قانون‌گذار در دو قانون مختلف فوق‌الذکر از سمحاق ارائه نموده نشان می‌دهد اشکالاتی نسبت به مواضع وی قابل طرح است که به قرار زیر بیان می‌شوند:

#### الف: پارگی گوشت

ظاهراً علت این‌که در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) صرفاً بر رسیدن جراحات به پوست نازک روی استخوان تأکید شده و عنصر گسیختگی بافت عضلانی مورد اشاره قرار نگرفته این است که با رسیدن جراحات به پرده استخوانی لزوماً بافت عضلانی نیز از هم گسیخته شده و اساساً تا این گسیختگی صورت نپذیرد، جزء دیگر جراحات سمحاق تحقق نخواهد یافت. اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، چه بسا اساساً تصریح و تأکید بر این عنصر موجب عدم جامعیت تعریف سمحاق گردد؛ زیرا با رسمیت بخشیدن به دخالت عنصر پارگی گوشت در ماهیت سمحاق، بال‌مال جراحاتی که همانند برخی از زخم‌های ناحیه پیشانی، بدون گسیختگی بافت عضلانی به پرده‌ی روی استخوان می‌رسند، سمحاق قلمداد نخواهند شد و از آن‌جا که بر هیچ یک از دیگر جراحات نیز قابل تطبیق نیستند خلاء قانونی ایجاد خواهد شد. این در حالی است که این‌گونه جراحات به جهت رسیدن به پرده سمحاق بی‌تردید از مصادیق جراحات مذکور می‌باشند. لذا با توجه به این نکته، به نظر می‌رسد موضع قانون‌گذار (۱۳۹۲) نسبت به مقنن سابق، از این حیث قابل دفاع‌تر می‌باشد.

#### ب: جراحات بودن

در تعریف ارائه شده توسط مقنن نوع زخم ایجاد شده، مسکوت مانده و صرفاً به بیان این‌که سمحاق نوعی جراحات است، بسنده شده است. این در حالی است که مقنن در بند پیشین و در تعریف متلاحمه نوع جراحات را مشخص کرده و متلاحمه را زخمی دانسته که موجب «بریدگی» عمیق گوشت می‌شود. به نظر نگارنده، عدم تعیین نوع جرح در این تعریف از

سوی مقنن - خواه عامدانه و خواه غیرعامدانه - امری شایسته و ستودنی است و با مبانی فقهی انطباق دارد. مضاف بر این که نشان می دهد در تحقق سمحاق، آلت جارحه و نوع آن خصوصیتی ندارد. چه این که در ادبیات پزشکی اصطلاح «بریدگی» به زخم هایی اشاره دارد که توسط اجسام نوک تیز و برنده مانند چاقو و شیشه یا لبه های نوک تیز ورقه های آهن و... ایجاد می شوند (بصیر غفوری، ۱۳۹۱: ۱۵).

#### پ: تعبیر پوست استخوان

مقنن در هر دو قانون فوق الذکر، به جای اصطلاح «پرده یا ضریع استخوانی» از تعبیر «پوست نازک روی استخوان» استفاده کرده است. این موضع از نقطه نظر فنی قابل نقد است؛ زیرا در اصطلاح علمی «پریوست» یا «پریوستئوم»، همواره به «ضریع استخوان» (خزاعی فرید و سروری خراشاد، فرهنگ اصطلاحات پزشکی: ۱۰۹) ترجمه می شود و در تعریف و تشریح آن، با توجه به مغلق بودن واژه ضریع، عموماً از واژگانی مانند «لایه»، «پرده» یا «غشا» بهره برده می شود (مسجر، بافتشناسی پایه، ترجمه: شیرازی و همکاران: ۱۹۹؛ الهی، استخوان شناسی (به همراه مفاصل): ۱۶). بر آگاهان پوشیده نیست که در زبان آکادمیک و علمی پریوست هیچ گاه به «پوست استخوانی» ترجمه نمی شود، زیرا پوست اصطلاحی است که صرفاً منحصر در لایه بیرونی ساختمان بدنی انسان است. لذا بایسته است این تعبیر به ضریع یا «پرده روی استخوان» تغییر یابد و حتی به شکلی بر تعبیر «پریوست» نیز تأکید شود، تا ضمن سازگاری بی شتر با زبان علمی، مخاطبان اصلی آن یعنی پزشکان قانونی نیز به راحتی مفاد آن را دریابند.

#### ت: خلاء قید عدم پارگی پرده استخوانی

در بخش بررسی فقهی تعریف سمحاق گذشت که جهت ایجاد وجه مایز میان این جراحت و جراحت پس از آن یعنی موضعه، شایسته است قید «عدم پارگی پرده روی استخوان» به تعریف آن افزوده شود. در همان جا بیان شد که اگر تعریف همه جراحات به صورت مجموعی مد نظر باشد، شاید تأکید بر این قید بی فایده باشد لکن چون این نوشتار در صدد ارائه تعاریف جامع و مانعی است که به صورت انفرادی نیز خالی از ابهام و ابهام باشند، گنجانیدن قید معهود ارجح معرفی شد. با این وجود حقیقت این است که وجه رجحانی که در بررسی فقهی بیان شد در مباحث حقوقی کارایی کم تری دارد، زیرا مخاطبان همیشگی قانون مجازات اسلامی اعم از قضات، پزشکان قانونی، حقوق دانان جملگی مواد مربوط به تعریف جراحات



را به صورت مجموعی و کل‌نگرانه بررسی می‌کنند و از همین رو به راحتی می‌توانند دریابند که قید پارگی پرده روی استخوان، از مقومات ماهوی موضعه است و از همین رو سمحاق بدون آن اتفاق می‌افتد. با این همه، اگر مخاطبان قانون مجازات اسلامی طیف وسیع‌تری دانسته شود و مردمان و تابعان کشور جملگی مخاطب این قانون قلمداد شوند - کما این که واقعیت نیز همین است - بایستی تعریف سمحاق جامعیت بیش‌تری داشته باشد و در نتیجه لزوماً قید سلبی فوق‌الذکر در آن گنجانده شود. بر این پایه، با توجه به این که در صورت تأکید بر این قید خللی به تعریف سمحاق وارد نخواهد آمد بلکه ثمرات خاص خود را نیز داراست ذکر آن اولویت و رجحان می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

در تعاریف فقهی ارائه شده از سمحاق، سه عنصر اساسی بازتاب یافته که عبارتند از: «رسیدن جراحت به پرده روی استخوان»، «پارگی بافت عضلانی (یا به تعبیر فقهی اللحم: گوشت)» و «عدم پارگی پرده روی استخوان». این در حالی است که مقنن با تمرکز بر عنصر نخست، سمحاق را این‌گونه تعریف کرده است: «جراحتی که به پوست نازک روی استخوان برسد». در منابع فقهی، آلت جارحه خاصی برای ایجاد سمحاق دارای خصوصیت قلمداد نشده و لذا سمحاق با هر آلت و ابزاری که موجب ایجاد زخمی با مختصات و عمق موصوف در تعریف آن شود، به وجود می‌آید. از همین رو، مقنن به درستی به «جراحت» خواندن سمحاق بسنده کرده و قیدی ناظر بر این که نوع جراحت، بریدگی است یا پارگی، در تعریف نگنجانده است. متکی به بررسی‌ها و تحقیقات ارائه شده در این نوشتار، آن چه در کلام فقیهان و قانون‌گذار پرده روی استخوان خوانده شده، در ادبیات پزشکی با عنوان پریوست (Periosteum) شناخته می‌شود که نقش مهمی در تقویت و تغذیه استخوان دارد.

تأملات بازتاب یافته در این نوشتار نشان می‌دهد، شایسته است در کنار تأکید بر عنصر «رسیدن جراحت به پرده روی استخوان»، به عنصر «عدم پارگی پرده روی استخوان» نیز تصریح شود تا منتهی‌الیه عمق سمحاق دقیقاً مشخص گردد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سمحاق در ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی بدین شکل بازتعریف شود: «سمحاق: جراحتی که به پرده نازک روی استخوان (پریوست) می‌رسد اما آن را پاره نمی‌کند».

## منابع

۱. ابن رشد الحفید، محمد بن أحمد بن محمد (۱۴۲۵ق)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، القاهرة، دار الحديث.
۲. ابن ضویان، إبراهيم بن محمد بن سالم (۱۴۰۹ق)، منار السبیل فی شرح الدلیل، الطبعة السابعة، بیروت، المكتب الإسلامي.
۳. ابن مفلح، شمس الدین المقدسی (۱۴۲۴ق)، کتاب الفروع ومعه تصحیح الفروع لعلاء الدین علی بن سلیمان المرزادوی، الطبعة الأولى، بیجا، مؤسسة الرسالة.
۴. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۵. احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقانیس اللغة، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۰۱ق)، مسائل الإمام أحمد رواية ابنه عبد الله، الطبعة الأولى، بیروت، المكتب الإسلامي.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۸. إلهی، بهرام (۱۳۸۸)، استخوانشناسی - به همراه مفصل، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات جیحون.
۹. انصاری، زکریا بن محمد بن زکریا (بیتا)، أسنى المطالب فی شرح روض الطالب، بیروت، دار الكتاب الإسلامي.
۱۰. بابرئی، محمد بن محمد بن محمود (بیتا)، العناية شرح الهدایة، بیجا، دار الفكر.
۱۱. بصیر غفوری، حامد و همکاران (۱۳۹۱)، زخم، تهران، انتشارات آرتین طب.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحکام - کتاب الدیات، چاپ اول، قم، دار الصدیقة الشهیدة علیه السلام.
۱۳. جزائری، عبد الله بن نور الدین (بیتا)، التحفة السنية فی شرح النخبة المحسنة، چاپ اول، تهران، بینا.
۱۴. جزیری، ابن اثیر مبارک بن محمد (بیتا)، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۵. جزیری، عبد الرحمن؛ غروی، سید محمد؛ یاسر مانع (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام، چاپ اول، بیروت، دار الثقلین.
۱۶. جندی، خلیل بن إسحاق بن موسی (۱۴۲۹ق)، التوضیح فی شرح المختصر الفرعی لابن الحاجب، الطبعة: الأولى، بیجا، مرکز نجیویه للمخطوطات و خدمة التراث.
۱۷. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق)، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقة المؤمنین، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره.
۱۹. حجاوی المقدسی، موسی بن أحمد بن موسی (بیتا)، الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، دارالمعرفة.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. حلبی، ابنزهره حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۲. حلبی، ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۳. حلی، ابنادریس محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۴. حلی، احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و نشر و ابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۸. حلی، محمد بن شجاع القطان (۱۴۲۴ق)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۲۹. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۴ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۰. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، چاپ اول، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمية.
۳۱. خزاعی فرید، علی؛ سروری خراشاد، جمشید (۱۳۸۹)، فرهنگ اصطلاحات پزشکی، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۳. الرجرجانی، أبو الحسن علی بن سعید (۱۴۲۸ق)، مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح المدونة و حل مشکلاتها، الطبعة الأولى، بیجا، دار ابن حزم.
۳۴. روحانی قمی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام، چاپ اول، قم، دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۳۵. رهدارپور، حامد؛ مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷)، مقاله «اصل شفافیّت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۸۱.
۳۶. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبی سهل (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت، دار المعرفة.
۳۷. سآلر دلمی، حمزة بن عبد العزيز (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین.
۳۸. شربینی، محمد بن أحمد (۱۴۱۵ق)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، الطبعة الأولى، بیجا، دار الکتب العلمية.
۳۹. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصریات، چاپ اول، تهران، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۴۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفردات الإمامیة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، چاپ اول، بیروت، دار التراث.
۴۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
۴۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۴۶. طوسی، ابن‌حمزه محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی.
۴۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتاب العربی.
۴۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۹. عمرانی، أبو الحسن یحیی بن أبی الخیر بن سالم (۱۴۲۱ق)، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، الطبعة الأولى، جده، دار المنهاج.
۵۰. فاضل أبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۱. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۵۳. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی (۱۴۱۸ق)، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقات و العقود، چاپ اول، قم، مکتبه امام العصر علیه السلام العلمية.
۵۴. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۲۵ق)، الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام، چاپ اول، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ.
۵۵. قاضی عبدالوهاب، أبو محمد عبد الوهاب بن علی بن نصر (۱۴۲۵ق)، التلقین فی الفقه المالکی، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمية.
۵۶. کاشف الغطاء نجفی، احمد بن علی بن محمد رضا (۱۴۲۳ق)، سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، جلد ۳، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء.

۵۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۵۸. کیدری، قطب الدین محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵۹. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، دیات، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶۰. مآوردی، علی بن محمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المنزی، الطبعة الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۶۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۶۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۶۳. — (۱۴۱۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۶۴. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا (۱۴۱۰ق)، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۵. مرغینانی، علی بن ابی بکر بن عبد الجلیل الفرغانی (بیتا)، الهدایة فی شرح بداية المبتدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۶. مسجر، آنتونی (۱۳۹۵)، بافت شناسی پایه، ترجمه: رضا شیرازی و همکاران، چاپ اول، تهران، انتشارات میرماه.
۶۷. مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۸ق)، الفقه المأثور، چاپ دوم، قم، نشر الهادی.
۶۸. مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، المقنعة، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۷۰. مقدسی، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد (۱۴۱۴ق)، الکافی فی فقه الإمام أحمد، الطبعة الأولى، بیجا، دار الکتب العلمیة.
۷۱. — (۱۴۲۵ق)، عمدة الفقه، بیجا، المكتبة العصرية.
۷۲. المقدسی، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد (بیتا)، الشرح الكبير على متن المقنع، بیروت، دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، الفتاوی الجديدة، چاپ دوم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۴. موسوی خمینی، سید روح الله (بیتا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۷۵. موصلی، عبد الله بن محمود بن مودود (۱۳۵۶ق)، الاختیار لتعلیل المختار، القاهرة، مطبعة الحلبي.
۷۶. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، تهران، میزان.
۷۷. نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (۱۴۱۲ق)، روضة الطالبین وعمدة المفتین، الطبعة الثالثة، بیروت، المكتب الإسلامی.
۷۸. واسطی زبیدی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۷۹. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، منهاج الصالحین، چاپ پنجم، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام.

شش گاه علم انسان و مطالعات انسانی  
رتال جامع علوم انسانی